

## سیاست جنایی اسلام در بزه پوشی جرایم جنسی و تاثیر آن در جامعه

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال سوم)  
پاییز ۱۳۹۶ / ایامگاه علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی  
۲۶۲-۲۷۵

عادل ساریخانی<sup>۱</sup>، مصطفی کرمی پور<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه قم

آدانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، جامعه المصطفی العالمیه

نویسنده مسئول:

عادل ساریخانی

### چکیده

شیوع و آشکار نمودن جرایم جنسی در جامعه اسلامی موجب جریحه دار شدن احساسات مذهبی مردم می‌گردد از این رو در آموزه‌های اسلامی بر پوشاندن و پنهان داشتن آن تاکید شده است که این امر در اصطلاح جرم شناسی به بزه پوشی تعبیر می‌شود و مشروعيت آن از آیات قرآنی، روایات اسلامی و قاعده درء استفاده می‌شود این رویکرد در قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری نیز منعکس گردیده است، که از یک سو بیانگر پذیرش سیاست کیفر زدایی و از سوی دیگر نشان دهنده توجه اسلام به ارزش‌های اخلاقی و مصالح اجتماعی است. بزه پوشی ممکن است از سوی مرتکب جرم از طریق توبه انجام شود و یا از سوی محاکم قضایی و افراد دیگر جامعه باشد و تنها در جرائم حق‌الله‌ی جائز است که خود مجرم نیز سعی در اختفاء آن داشته باشد و در جرایم علنی و مضر به حقوق خصوصی اشخاص جائز نیست.

واژگان کلیدی: بزه پوشی، کیفر زدایی، جرایم جنسی، جرایم علنی، ادله اثبات.

بزه پوشی یکی از ویژگی های بارز سیاست جنایی<sup>۱</sup> اسلام است که در فقه اسلامی از آن به عنوان تستر یاد می شود؛ به معنای پوشاندن و پنهان داشتن گناه می باشد(خاوری، ۱۳۸۹، ۱۱۳). در بسیاری از روایات اسلامی، سفارش به پوشاندن گناه و خطای مجرمین به ویژه در جرائم جنسی مستوجب حق الهی شده است؛ به این صورت که مجرمین خطاهای جنسی خود را آشکار نکنند و به درگاه خداوند متعال توبه نمایند که چه بسا توبه خالصانه<sup>۲</sup> یک فرد بهتر از اجرای حد موجب تطهیر و پاکی وی می گردد. از طرفی حاکم شرع و قضات نیز از تحقیق و تفحص در امور پنهانی و گناهان جنسی مردم منع شده اند؛ محدود کردن ادله اثبات جرم و سخت گیری در آن نیز حاکی از آن می باشد. این نظریه مستند به روایات متعددی است که از جمله آن پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «اَدْرِئُ الْحَدُودَ بِالشَّهَابَاتِ؛ حَدُودَ رَا بِهِ مُجْرِدَ حَدُودَ شَبَهَهُ دَفْعَ كَنِيد» (حر عاملی، ۱۴۰۱، ۱۸، ۳۳۶). زیرا در سیاست جنایی اسلام عکس العمل کیفری تنها طریق مبارزه با تبهکاری تلقی نشده حتی راهی مناسب، و کارآمد نیزشناخته نگردد و از این رو صورتهای مختلف و گسترده ایی در گریز از اجرای واکنشهای جزایی پش بینی و درجهت دفع کیفر تلاش شده است. این تمایل در مراحل مختلف دادرسی و قبل از آن نیز متجلی است به طوری که گاه انحراف جریان رسیدگی های جزایی ازمیسر رسمی آن و عدم طرح پرونده در محکمه مورد تأکید و توصیه قرار می گیرد(صادقی، ۱۳۷۸، ۱۶۲). از آنجایی که در اسلام برخی از جرائم و گناهان هستند که با ارتکاب آن فقط رابطه بین انسان و خدا خدشه دار می شود و جامعه و مردم متضرر نمی شود مثل زنای با تراضی طرفین و شرب خمر، لزوماً کیفر و مجازات نیز راهکاری مناسب برای اصلاح اینگونه مجرمین و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم نمی باشد بلکه باید از اقدامات غیر کیفری مانند هدایت مجرم به سوی توبه و پوشاندن جرم و گناه خود استفاده گردد، چه بسا ممکن است اجرای حد در جرائم جنسی نتیجه عکس به همراه خود داشته باشد، موجب آشکار شدن جرم و شناخته شدن مجرم در محل گردد و منجر به رسوای و بی آبرویی وی گردد و شخص بزه دیده را در معرض تعرض افراد فاسق و هوس باز قرار دهد. درنتیجه اقدامات کیفری برخوردي مناسب برای جرائم جنسی نمی باشد و مقنن باید از شیوه ها و راهکارهای مناسب غیرکیفری برای جلوگیری از وقوع جرائم جنسی در پیش بگیرد. ضمن اینکه قبح ذاتی جرائم جنسی نیز در باور و اعتقاد مردم محفوظ بماند.

## ۱. سختگیری در اثبات قضاایی جرائم جنسی

با اینکه شارع مقدس نسبت به جرائم جنسی حساسیت ویژه ای نشان داده است و در آیات قرآنی عقوبت سنگینی را وعده داده<sup>۳</sup> و آن را در کثار شرک، قتل<sup>۴</sup> و سرقت<sup>۵</sup> قرار داده است (قرائتی، ۱۳۸۷، ۷، ۵۲). حتی از نزدیک شدن به آن نهی کرده است<sup>۶</sup>. اما شارع مقدس در طریق اثبات این جرائم به گونه ای سختگیرانه برخورد کرده است که اثبات آن تا حدودی غیر ممکن است و ادله اثبات کیفری شناخته شده در آینین دادرسی کیفری اسلام نیز در بعضی موارد مشروط و مقيد شده است که اثبات جرم با آن ادله بعیدالوقوع و نادر است به طور مشخص قیود و شرایط اعتبار شده در ادله اثبات جرائم جنسی به قدری زیاد و سخت است که اثبات اینگونه جرائم با آن ادله را باید جزء اتفاقات نادر دانست. شرایط مربوط به عدد، محتوا و کیفیت «اقرار» و «شهادت» آن چنان سخت گیرانه است که به راحتی می توان

<sup>۱</sup>- سیاست جنایی از نظر استاد می ری دلماس مارتی: « شامل مجموعه روش هایی می شود که هیات اجتماع با توصل به آنها پاسخ هایی به پدیده مجرمانه را سازمان می بخشد». (دلماس، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۴).

<sup>۲</sup>- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ تَوَبُّهُ نَصْوَحٌ...» سوره تحريم، آیه ۸

<sup>۳</sup>(والزانیه والزانی فاجدوا کل واحد منهما مائه جلد و لاتخذكم بهما رأفة فی دین الله). سوره نور، آیه ۲ (در این آیه نهی از رافت شده که از قبیل نهی از مسبب است به نهی از سبب، چون رقت کردن به حال کسی که مستحق عذاب است باعث میشود که در عذاب کردن او تساهل شود، و درنتیجه نسبت به او تخفیف دهد و یا به طور کلی اجرای حدود را تعطیل کنند) طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲۹، ص ۱۱۹.

<sup>۴</sup>(الذين لا يدعون مع الله الهآ آخر و لا يقتلون النفس التي حرّم الله الا بالحق و لا يزnon). فرقان، آیه ۶۸

<sup>۵</sup> اذا جاءك المؤمنات يبأعنك على ان لا يشركن بالله و لا يسرقن و لا يزنن). ممتحنه، آیه ۱۲

<sup>۶</sup>(ولَا تَنْقِرُوا الَّذِنِي أَنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَيِّلًا). سوره اسراء، آیه ۳۲

گفت شارع مقدس علاقه‌ای به تحقق مجازات در این گونه جرائم نداشته و بیشتر به مستور ماندن خطای شهروندان گرایش داشته است(حسینی، ۱۳۸۳، ۱۶۳).

## ۲. مصاديق یا موارد سختگیری در جرائم جنسی

شارع مقدس اسلام تمایلی به اثبات جرائم جنسی نداشته و بیشتر به مستور ماندن آن تاکید داشته است و قانون مجازات اسلامی با الهام گرفته از آموزه‌های فقه شیعه سختگیری‌های متعددی در اثبات جرائم جنسی داشته که در ذیل به چند نمونه از مصاديق آن اشاره می‌شود.

### ۱-۲. تعداد شهود

یکی از موارد سختگیری در جرائم جنسی، مربوط به تعداد شهود می‌باشد به نص قرآن مجید با گواهی چهار مرد عادل، زنا ثابت می‌شود<sup>۱</sup>(ر.ک تبریزی، ۱۴۱۷، ۸۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۸، ۱۹۵؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ۲۶، ۳۹۴؛ حلی، ۱۴۰۵، ۵۴۷؛ منتظری، بی تا، ۴۸؛ خوبی، ۱۴۲۲، ۲، ۲۱۸). با اینکه در قتل با دو شاهد ثابت می‌شود.

ماده ۱۹۹ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «نصاب شهادت در کلیه جرائم، دو شاهد مرد است مگر در زنا، لواط، تفحیذ و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می‌گردد....»

و ذیل ماده ۲۰۰ ق.م.ا. مقرر می‌دارد: «.....در صورتی که شهود به عدد لازم نرسند شهادت در خصوص زنا یا لواط، قذف محسوب می‌شود و موجب حد است». به خاطر افترا که همان دروغ بزرگ است چرا که خدای متعال کسی را که نسبت زنا به مسلمانی بددهد و در عین حال شهود لازم را نیاورند دروغگو خوانده است(جبعی عاملی، ۱۳۸۰، ۱، ۵۰۶). به دلیل اهمامی که نظام کیفری اسلام برای آبرو و حیثیت افراد عفیف و پاکدامن قائل است تهمت‌های ناروا به آنان را مستوجب حد قذف می‌داند؛ چه قذف در واقع بذر شک و بدینی را در میان خانواده‌ها می‌پاشد و اساس خانواده‌ها را تهدید می‌کند و موجب پرده دری و از بین رفتن عفاف و پاکدامنی می‌شود(قیاسی و دیگران، ۱۳۹۱، ۱، ۳۰۷؛ حلی، ۱۴۱۱، ۶، ۱۱۱ و ۱۲۰).

و سخت‌گیری مربوط به تعداد گواهان در اثبات حد لواط تشديد می‌شود و لواط تنها با شهادت چهار مرد که آمیزش جنسی را آشکارا دیده باشند اثبات می‌شوند در این باره حتی شهادت سه مرد و دو زن کافی نیست(نوربهای، ۱۳۸۹، ۱۴۵).

### ۲-۲. دفعات اقرار

دومین مورد سختگیری در اثبات جرایم جنسی مربوط به دفعات اقرار می‌باشد. ماده ۱۷۲ ق.م.ا در این زمینه مقرر می‌دارد: «در کلیه جرائم، یک بار اقرار کافی است، مگر در جرائم زیر که نصاب آن به شرح زیر است:

الف. چهار بار در زنا، لواط، تفحیذ، و مساحقه.

تبصره ۲: در مواردی که تعدد اقرار شرط است اقرار می‌تواند در یک یا چند جلسه انجام شود.

بنابر فتاوی از فقهاء تعدد مجالس در اقرار شرط نمی‌باشد و اقرار می‌تواند در یک یا چند جلسه انجام شود به خاطر اینکه، اصل عدم اشتراط تعدد مجالس می‌باشد(حلی، ۱۴۰۵، ۴۷۳؛ فاضل هندی، ۱۴۲۴، ۱۰، ۴۱۶) و «عموم اقرار العقلاء علی انفسهم جائز» نیز بر آن

<sup>۱</sup>(وَاللَّٰٓئِيْنَ الْفَاحِشَةَ مِنِ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشَهِدُوْا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهَدُوْا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَيِّلًا). سوره نساء، آیه ۱۵.

دلالت می کند(نوری، ۱۴۰۸، ۸، ۲۴۸) البته برخی از فقهاء تعدد مجالس در اقرار را شرط می دانند و معتقدند که زانی باید در چهار جلسه جداگانه اقرار به زنا بکند(طوسی، ۴۰۷، ۶، ۳۳۶ و نجفی، ۱۳۶۵، ۴۱، ۲۸۳). این در حالی است که در جرائم حق الناس اقرار یک مرتبه کافی است و در جرائم محاربه که با امنیت جامعه اسلامی ارتباط دارد یکبار اقراربرای اثبات جرم کافی است.

### ۳-۲. مشاهده عینی و حضوری عمل زنا و لواط

سومین مورد سخت گیری در اثبات جرائم جنسی این است که شاهدان باید به صورت حضوری عمل زنا را مشاهده کرده باشند مانند میل در سرمه دان (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲، ۳، ۱۹۰؛ حلی، ۱۴۰۵، ۳۰۸؛ خمینی، ۱۴۲۵، ۴، ۱۸۳؛ اصفهانی (مجلسی دوم)، ۱۴۰۳، ۳۸؛ مغنية، ۱۴۲۱، ۶، ۲۵۲)).

ماده ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی در این زمینه مقرر می دارد: «در خصوص شهادت بر زنا یا لواط، شاهد باید حضوری عملی را که زنا یا لواط با آن محقق می شود دیده باشد و هر گاه شهادت مستند به مشاهده نباشد و همچنین در صورتی که شهود به عدد لازم نرسند شهادت در خصوص زنا یا لواط، قذف محسوب می شود و موجب حد است».

بنابراین تنها با استناد به این که مرتكبان زنا یا لواط یا مساحقه در مکانی خلوت یا اتاقی در بسته و یا حتی زیر یک پوشش بوده اند، زنا اثبات نمی شود(نوبهار، ۱۳۸۹، ۱۴۴). طرفه این که بنابررأیی که برابر موازین در ست به نظر می رسد، نگاه کردن به زنابرای تحمل شهادت و سپس گواهی دادن جایز نیست(طباطبایی حکیم، بی تا، ۱۴، ۳۵ و ۳۶). پس از یک سو جایز نیست عملیات زنا را مشاهده کرد و از سوی دیگر برای ادای گواهی، لازم است که زنا دقیقاً مشاهده شده باشد. این به معنای آن است که تنها در فرضی که کسی بر حسب اتفاق، ارتکاب زنا را دیده باشد، می تواند بر وقوع آن گواهی دهد (نوبهار، ۱۳۸۹، ۱۴۴).

افزون بر اینها، دیگر موارد سخت گیری این است که شهادت بر شهادت در حقوق الناس قابل قبول است؛ اما در حدود که حق الله است پذیرفته نیست<sup>۱</sup> (آشوری، ۱۳۸۵، ۱، ۱۶۸) و امکان رسیدگی غیابی در حق الناس و عدم تجویز آن در حق الله(همان). و شهود باید بر یک فعل در زمان واحد و مکان واحد اتفاق نظر داشته باشند<sup>۲</sup>(طبعی عاملی، ۱۳۸۰، ۳، ۳۵۲). و همچنین شرط است که شهود هنگام اقامه شهادت جمع باشند و یکباره شهادت دهنند و اگر برخی از شهود در حالی که سایر شهود هنوز نیامده اند، به زنا شهادت دهنند، بر آنان حد جاری می شود و منتظر سایر شهود نمی مانند تا بیایند و نصاب را کامل کنند(همان).

### ۳. تحقیق و تفحص در جرائم جنسی

اسلام به جرائم جنسی حساسیت ویژه ای نشان داده است و هر گونه تحقیق و تفحص در امور پنهانی و جرائم منافي عفت را منع می کند. به طور کلی تجسس کردن عیوب پنهانی مردم در قرآن کریم مورد نهی واقع شده است<sup>۳</sup>. صاحب معراج السعاده یکی از اخلاق ذمیمه را عیب جویی مردم کردن و در صدد عیوب دیگران بودن می داند و این از علامت خبائث نفس و عیبنایک بودن صاحب آنست(نراقی، ۱۳۷۵، ۴۱۵). امیر المؤمنان (ع) در خطاب به مالک اشتر می فرماید: باید که دورترین افراد رعیت از تو، و دشمنترین آنان در نزد تو کسی باشد که بیش از دیگران عیبجوی مردم است. زیرا در مردم عیب هایی است و والی از هر کس دیگر به پوشیدن آن سزاوار تر است. پس عیوب پنهانی مردم را مخواه که آشکار شود، زیرا وظیفه تو پاکیزه ساختن عیوبی است که بر تو آشکار است. و خدا بر آنچه که از

<sup>۱</sup> ماده ۱۸۹ قانون مجازات اسلامی: «جرائم موجب حد و تعزیریا شهادت بر شهادت اثبات نمی شود لکن قصاص، دیه و ضمان مالی با آن قابل اثبات است».

<sup>۲</sup> ماده ۱۸۲ قانون مجازات اسلامی: درشهادت شرعی، در صورت تعدد شهود، وحدت موضوع شهادت ضروری است و باید مفاد شهادت ها در خصوصیات مؤثر در اثبات جرم یکسان باشد. هر گاه اختلاف مفاد شهادت ها موجب تعارض شود و یا وحدت موضوع را مخدوش کند، شهادت شرعی محسوب نمی شود.

<sup>۳</sup> لا تجسسوا في امور المسلمين(حجرات ، آیه ۱۲)

نظرت پوشیده است حکم کند، پس تا توانی عیب های دیگران را بپوشان، تا خدا نیز عیب های تو را که دوست داری از رعیت پوشیده بماند بپوشاند). نهج البلاغه، نامه ۵۳) و نیز از حضرت علی(ع) روایت شده که فرموده «اگر مومنی را بیایم و بر کار بد و گناهی مشغول به آن است همانا می پوشانم او را به لباس خود یا لباس او»(نوری، ۱۴۰۸، ۸، ۴۲۷؛ تمیمی، بی تا، ۲، ۴۴۶).

مقصود آن است که شخص دارای ایمان اگر گناهی در خلوت و پنهانی انجام می دهد و کسی او را در آن حال ببیند نباید عمل او را فاش و بر ملا سازد و برکسی دیگر خبر کند بلکه باید پرده پوشی نماید، زیرا این خود گناه بزرگی است و در قرآن کریم از آن نهی شده و وعده عذاب به کسانی که مرتکب این معصیت کبیره شوند، داده شده است<sup>۱</sup>(آشتیانی، ۱۳۸۷، ۷۴۶). ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی با الهام گرفته از آموزه های فقهی هر گونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انتظار ممنوع می دارد و چنین مقرر می دارد: «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم هر گونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انتظار ممنوع است. موارد احتمال ارتکاب با عنف، اکراه، آزار، ریایش یا اغفال یا موجب این قانون در حکم ارتکاب به عنف است از شمول این حکم مستثنی است».

حتی اگر زنی که بدون شوهر است حامله شود، حد زنا بر او جاری نمی شود و مجرد بچه دار شدن دلیل بر ارتکاب زنا نیست بلکه ما حق نداریم زن را مورد پرسش قرار دهیم و از حال او تفحص کنیم که آیا مرتکب زنا شده است یا نه؟ زیرا اصل، بلکه اصول(مثل اصل برائت، استصحاب و احتیاط در نقوص و اعراض) به نفع او جاری می شود پس اینکه شیخ طوسی در مبسوط گفته که لازم است از زن تحقیق و بازجویی به عمل آید فاقد دلیل است (محقق داماد، ۱۳۸۹، ۶۰).

همچنین قضیه خلیفه دوم در این زمینه مشهور است، نقل شده است روزی خلیفه دوم از خانه ای می گذشت؛ متوجه عده ای شدند؛ که در آن بساط گناه برپا کرده اند و مشغول شرب هستند. خلیفه خواست بر آنها حد جاری کند. یکی گفت اگر ما یک معصیت کرده ایم خلیفه سه معصیت کرده است، خلیفه پرسید آن سه معصیت چیست؟ گفت اولاً خداوند متعال فرموده: «ولا تجسسوا»(حجرات، آیه ۱۲) ولی شما تجسس کردید. ثانیاً خداوند فرموده: «واتوالبیوت من ابوباه»(بقره ۱۸۹) ولی شما از راه بام آمدید. ثالثاً خداوند فرموده: «لا تدخلو بیوتاً حتی تستناسوا و تسلموا علی اهلها»(نور آیه ۲۷) ولی شما بدون اجزاء و سلام وارد شدید. خلیفه با شنیدن این سخنان برگشت و کسی را مجازات نکرد و شرط کرد که از آن توبه کند(محمدالشیرف، ۱۴۰۵، ۳۴۹). اینها دلالت بر این دارد که اسلام تحقیق در امور پنهانی و سرک کشیدن به حریم خصوصی افراد را ممنوع کرده به ویژه در جرایم جنسی که با آبرو و شرافت انسان ارتباط تنگاتنگی دارد و بردن آبروی انسان را به منزله ریختن خون او تلقی کرده است. زیرا اگر انسان اصرار بر کشف باطن افراد داشته باشد فرد خالص و مخلصی را نخواهد یافت و کاملان و بی عیب ها تنها معمولان و اولیای خدا هستند. در حدیثی جالب که مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار آورده است. از امیر المومنان(ع) می خوانیم: «قدر و منزلت خود را با «تفالف» درباره امور پست و کوچک بالا برید و زیاده از اموری که پوشیده و پنهان است تجسس نکنید که عیب جویان شما زیاد می شود و با چشم بر هم نهادن از دقت بیش از حد در جزئیات، بزرگواری خود را ثابت کنید». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۵، ۶۴). به خاطر اینکه تحقیق در امور پنهانی مردم امری ناروا شمرده می شود و گناهی که پنهانی انجام شود تنها به گناهکار ضرر می زند و در قانون اساسی تفتیش در عقاید را که یک امر پنهان است ممنوع می دارد و در آیات قرآن از تجسس در امور مردم نهی شده و سفارش به عیب جویی نمی شود. چه بسا تفتیش و تحقیقات نا بجائی که باعث از هم پاشیده شدن کانون خانواده ها گردیده و افراد را به دامان تباہی انداخته است. حرمت جامعه اسلامی ایجاب می کند اتهام متهم شایع نگردد چرا که شیوع اتهام بیش از اصل اتهام مفسده آور است (زراعت، ۱۳۷۸، ۱، ۱۶۳).

رسول اکرم(ص) می فرماید: هر کس رشتکاری مومنی را بپوشاند چنان است که دختر زنده به گوری را نجات دهد(متقی هندی، ۱۴۱۳). (۶۳۸)

<sup>۱</sup> «ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشه فى الذين آمنوا...»(سورة نور آیا ۱۹)

در روایتی دیگری از حضرت علی (ع) بیان شده که می فرماید تا می توانی عیوب مردم را بپوشان تا خدا عیوبت را بپوشاند (آمدی، ۱۴۰۷، ۱۹۵). اگر زنی هم ادعای اکراه بر زنا کند حد از او ساقط می شود بدون اینکه تحقیقی از او به عمل آید؛ در روایتی از امام محمد باقر(ع) وارد شده است که زنی را همراه با مردی که با او به طور نامشروع آمیزش نموده بود نزد حضرت علی(ع) آوردند. زن عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! این مرد مرا به زور وادار به این کار کرد و من از خود اختیاری نداشتم؛ حضرت علی(ع) در بی این ادعا حد را از او برداشت و وی را تبرئه نمود(حرعاملی، ۱۴۰۱، ۱۸، ۳۸۲). البته نقل شده است که خلیفه دوم در مواردی حتی با تهدید و ارعاب در صدد تحقیق از متهمان به زنا بر می آمده است(جوزی، ۱۹۸۵، ۶۸).

ماهه ۲۱۸ ق.م. مقرر می دارد: «در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و یا اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارعاب با شنکجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می شود» زیرا حدود الهی مبتنی بر تسامح و تخفیف می باشد و با کوچکترین شباهه حد ساقط می شود.<sup>۱</sup> به طور کلی سیره عملی پیامبر اسلام(ص)، پیشوایان دین و حتی خلفا، پرهیز از تحقیق و تفحص برای کشف جرائم منافی عفت بوده است<sup>۲</sup>(نویهار، ۱۳۸۹، ۱۴۹). اصل منع تجسس یکی از اصول مسلم اسلام می باشد و از طرفی، حریم زندگی شخصی مردم محترم است و جستجو و تحقیق در زندگی آنان امری رشت و ناپسند است. برای کشف و تعقیب در مورد یک جرم انتسابی به متهم، هیچ گاه نمی توان بدون دلیل به تفتیش زندگی شخصی او پرداخت و از جزئیات پنهان او اطلاع حاصل کرد(محقق داماد، ۱۳۸۹، ۸). هیچ کس تردید ندارد که شرع اسلامی در مورد گناهان مرتبط با مسائل عفتی و ناموسی، نظر بر اختفا و پرده پوشی داشته است؛ حتی مرتکبینی که به خیال تخفیف عذاب الهی مبادرت به اقرار می کردند مورد ملامت و سرزنش قرار گرفته، و بر عدم اعتراض و به جای آن، رو به سوی توبه و استغفار کردن توصیه می شدند. حال آنکه در تاریخ جامعه اسلامی مکرر دیده ایم که صاحبان قدرت و شیخ اسلام های محلی، گاه برای ثبت تحقیق موقعيت خود به عنوان متولی شریعت، به تجسس در زندگی خصوصی مردم پرداخته، با طرق شرم آوری که قطعاً فاقد وجاهت شرعی است به اثبات اتهامات ناموسی پرداخته و از این رهگذر خود را مجری حدود الهی معرفی نموده اند(همان)

#### ۴. تحقیق و تفحص در جرائم جنسی مستوجب حق الناس

ماهیت برخی از جرائم جنسی مانند زنای مرد با زن بی همسر از روی تراضی و آگاهی طرفین<sup>۳</sup> تنها دارای جنبه حق الهی است اما ماهیت برخی از موارد جرائم جنسی علاوه بر جنبه حق الهی، دارای جنبه حق الناسی نیز می باشد مانند زنا یا لواط به عنف و اکراه و یا همراه با فربیض، خدعا و اغفال<sup>۴</sup>.

آیا رویکرد شارع مقدس اسلام از بزه پوشی جرائم جنسی و نهی از تحقیق و تفحص تنها محدود به جرائم جنسی حق الهی است یا شامل جرائم جنسی که جنبه حق الناسی هم دارد، می شود؟

با ملاحظه اینکه شارع مقدس به حقوق بزه دیده توجه اساسی داشته و جبران و ترمیم خسارت وارد برا او را مد نظر قرار داده و به رغم تاکید آموزه های دینی بر تستر و پرده پوشی زنا، لواط، و مساحقه، چنان چه پای حق دیگری و شکایت خصوصی در میان باشد، نه تنها برای اثبات این جرائم چشم پوشی نمی شود، بلکه حاکم موظف است به طور مشروع و منطقی برای کشف حقیقت، تا آن جا که به احراق

<sup>۱</sup>الحدود تدرأ بالشبهات(حرعاملی، ۱۴۰۱، ۱۸، ج، ص ۳۳۶).

<sup>۲</sup>آجرم منافی عفت اعم از انکه مستوجب حد باشد یا تعزیر در هردو تحقیق جایز نیست

<sup>۳</sup>جرائم جنسی همرا با رضایت طرفین در اصطلاح به جرائم بدون بزه دیده شهرت یافته است(رهامی، ۱۳۸۷، ص ۴۷).

<sup>۴</sup> مثل موردی که کسی به زنی وانمود کند که منظور وی از رابطه جنسی انجام یک معاینه پزشکی است یا مردی خود را شوهر زنی وانمود کند و با او رابطه جنسی برقرار کند(میرمحمدصادقی، ۱۳۸۸، ۱، ص ۵۰۱)

حق شاکی بر می گردد، تلاش کند. این به معنای آن است که شارع، نقش موثر بزه دیده در دعواهی کیفری را به رسمیت می شناسد(نویهار، ۱۳۸۹، ۱۷۳).

در نظام کیفری اسلام، در مورد جرائمی که جنبه الهی آن غلبه دارد نه تنها بر اثبات جرم تاکید نمی شود، بلکه بر عکس، سعی می شود جرم اثبات نگردد و افراد فرصت کافی برای توبه و اصلاح خویش داشته باشند؛ به همین دلیل، اثبات آن بسیار مشکل است. اما جرایمی که جنبه حقوق خصوصی در آن غلبه داشته یا جرم واحد جنبه عمومی باشد، مانند محاربه راه اثبات آن آسان است و با دقت و قاطعیت سعی می شود حقوق شهروندان احراق شود و در دفاع از امنیت عمومی دغدغه فراوانی وجود دارد. بر همین اساس، در مورد محاربه- با آنکه از جرائم حدی است- به لحاظ ارتباط آن با امنیت جامعه اسلامی، با یک اقرار جرم ثابت می شود و برخلاف سایر جرائم، مجرم تنها تا پیش از دستگیری فرصت توبه دارد(قیاسی و دیگران، ۱۳۹۱، ۱، ۳۴۰). راز این تفاوت در این است که در جرائمی که جنبه الهی آن غلبه دارد ارافق نسبت به متهم و دادن فرصت کافی برای اصلاح و توبه، به عنوان تفضل و امتنان، مطرح است؛ اما در جرائمی که جنبه خصوصی آن غلبه دارد ارافق و امتنان نسبت به مجرم، مخالف حقوق دیگران و خلاف امتنان است. البته در این موارد نیز عفو و مصالحة همواره مورد تاکید می باشد؛ تا حتی الامکان مجازات به اجرا در نماید(همان، ۳۴۱).

تبصره یک ماده ۲۱۸ ق.م.ا. مقرر می دارد: «در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت با عنف، اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعاء، مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررس و تحقیق است».

ذیل ماده ۲۴۱ ق.م.ا. مقرر می دارد «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است. موارد احتمال ارتکاب با عنف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به عنف است از شمول این حکم مستثنی است». به خاطر این که در مواردی که جنبه خصوصی جرم غلبه داشته باشد سختگیری بیشتری شده است و از طرفی اثبات آن آسانتر گردیده است زیرا ارافق دادن به متهم، مخالف حقوق بزه دیده محسوب می شود و خلاف امتنان و تفضل می باشد. هرچند اسلام با هدف بزه پوشی تمایل به عدم اثبات جرم زنا دارد ولی هرگاه در این جرم، بزه دیده مستقیم وجود داشته باشد، به عبارتی جنبه خصوصی جرم غلبه داشته باشد مصلحت بزرگتر ایجاب میکند که این سخت گیری در اثبات تعديل گردد(توجهی و هادی پور، ۱۳۹۰، ۱۰۱).

زیرا در این موارد حقوق شاکی خصوصی در میان است و مخفی داشتن جرائم و تمایل به ترک تعقیب و تحقیق در حقوق الناس موجب اضرار به غیر و یا فوت حق دیگری بوده و این خود ستمی بر بزه دیده است و هیچ یک از فقهاء بزه پوشی را در صورتی که اضرار به حقوق دیگران باشد جایز ندانسته و نصب قاضی و والی در بلاد اسلامی از سوی پیامبر(ص) و امام علی(ع) در جهت رفع ستم از مظلوم و مقابله با متجاوزین و جلوگیری از تضییع حقوق مردم بوده است. اگر سخت گیری در اثبات قضایی جرم و سقوط کامل کیفر باتوبه، چنان عام باشد که موارد ارتکاب اعمال منافی عفت از روی عنف را هم شامل شود بزه دیده نمی تواند جرم را ثابت کند و جبران زیان های وارد آمده را مطالبه نماید(نویهار، ۱۳۸۹، ۱۷۲). البته هرگاه شاکی خصوصی در میان نباشد با توجه به تاکید آموزه های دینی بر استئار و پوشیدن این گونه جرائم، دادگاه نباید بر اثبات جرم و به کیفر رسانیدن بزه کار اصرار ورد، به ویژه در جایی که زیان دیده از جرم، برای حفظ حیثیت خود، خواهان اثبات آن نباشد؛ تبصره ۱۰۲ نیز براین امر دلالت دارد و مقرر می دارد: «در جرایم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدوان قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می کند».

<sup>۱</sup> برخی از مرتكبین جرایم حدی خدمت حضرت علی(ع) می رسیدند و با اقرار خویش اجرای حد را در خواست می کردند تا کفاره گناهانشان محسوب گردد، امام با ناراحتی می فرمود: چرا این افراد بین خود و خدا توبه نمی کنند تا هم گناهشان آمرزیده شود و هم آبرویشان حفظ گردد؟(حرعاملی، ۱۴۰۱، ج ۱۸، ص ۳۲۷-۳۲۸).

<sup>۲</sup> مائدۀ آیه ۳۳ و تبصره یک ماده ۱۱۴: «توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است».

## ۵. بزه پوشی در جرائم علني

منظور از جرم علني اين است که شخصي در مرئي و منظر مردم، مرتکب عمل مجرمانه گردد و آشكارا مبادرت به ارتکاب محترمات گردد و از هتك حيشيت خود و ديگران هيچ باکي نداشته باشد.

حال آيا بزه پوشی در جرائم علني و آشكار نيز مطلوب است و يا مطلوبیت آن تنها در جرائمی است که به صورت مخفیانه انجام شده و يا مرتکب پس از ارتکاب جرم سعی در مخفی نگه داشتن عمل مجرمانه بنماید؟

با توجه به احاديث و روایات اسلامی، بزه پوشی تنها در جرائمی سفارش شده يا اینکه مرتکب پس از ارتکاب جرم سعی در مخفی نگه داشتن عمل مجرمانه بنماید. رفتار های مجرمانه که بطور علني صورت گرفته و يا پس از ارتکاب شایع و منتشر شده باشند نمی توانند مورد نهان سازی واقع شود چرا که از جمله اهداف پوشیده داشتن زشتیها، جلوگیری از شیوع و انتشار آنهاست پس اگر وقوع جرمی شهرت یافته و مردم بدان آگاهی يابند ترک تعقیب آن توصیه نشده است. زیرا بزه پوشی در صورت اشاعه جرم فاقد سودمندی، منفعت و فایده است (طوسی، ۱۴۰۷، ۶). شیخ طوسی در این زمینه می فرماید «اذا كان مشتهرًا ظاهرا فلا فائدہ فى ترك اقامته عليه؛ يعني هر جرمی به طور علني مطرح شود فایده ای در ترک اقامه حد بر او وجود ندارد». (همان، ۱۸) بنابراین بزه پوشی درباره گسانی توصیه شده است که خود نیز بر اخفای جرائم و حفظ موقعیت انسانی و حیثیت خویش تاکید داشته باشند(صادقی، ۱۳۷۸، ۱۷۵). زیرا جرمی که آشكارا انجام شود يا پس از ارتکاب پنهانی آشكار شود واکنش مناسب و معقول دستگاه کیفری را می طلبد که در صورت عدم برخورد، بازتاب منفی در ذهن مردم نسبت به دستگاه کیفری ایجاد می شود و موجب تشویق و تحری افراد فاسد و تبهکار به ارتکاب جرائم می شودند، و حتی فسق علني حرمت و غیبت ندارد (بحراتی، ۱۴۱۵، ۱۶۶؛ توحیدی، ۱۴۱۷، ۱، ۳۳۷). از هارون بن جهم از حضرت امام صادق(ع) روایت شده که فرموده: «هرگاه گنهکار گناهش را علني و آشكارا انجام دهد احترامی برای او نباشد و غیبتش در گناه علني و آشكار وی حرام نمی باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۸، ۱۲۷۷).

برای پاک سازی و سالم سازی جامعه همانگونه که جرم و گناه آشكار شده مجازات نیز باید آشكارا اجرا گردد. زیرا مadam که گناه آشكار نگردیده و به دادگاه اسلامی کشیده نشده است (خداوند ستار العیوب) راضی به پرده دری نیست اما بعد از ثبوت جرم و بیرون افتادن راز از پرده استقرار، وآلوده شدن جامعه و کم شدن اهمیت گناه، باید به گونه ای صورت گیرد که اثرات منفی گناه خنثی شود و عظمت گناه به حال نخستین باز گردد. اصولاً در يك جامعه سالم باید (تخلف از قانون) با اهمیت تلقی شود، مسلماً اگر تخلف تکرار گردد، آن اهمیت شکسته می شود و تجدید آن تنها با علني شدن کیفر متخلavan است. اين واقعیت را نیز از نظر نباید دور داشت که بسیاری از مردم برابی حیثیت و آبروی خود بیش از مساله تنبههات بدنی اهمیت قائلند، و همین علني شدن کیفر ترمز نیرومندی بر روی هوس های سرکش آنهاست (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ۱۳، ۵۱۲). و در حدیثی پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «إِنَّ الْمَعْصِيَةِ إِذَا عُمِلَ بِهَا الْعَدُوُّ لَمْ يَضُرْ إِلَّا عَالَمَهَا، فَإِذَا عُمِلَ بِهَا عَالَمَهَا وَلَمْ يَغْيِرْ عَلَيْهِ أَضْرَرَتْ بِالْعَالَمَةِ: گناهی که پنهانی انجام شود، تنها به مرتکب آن آسیب می رساند؛ اما هر گاه گناه آشكارا انجام پذيرد و با آن مبارزه نشود به عموم مردم زیان می رساند». (حرعاملی، ۱۴۰۱، ۱۸، ۴۰۷).

غزالی نیز معتقد است : معصیت چو پنهان باشد جز صاحب آن را زیان ندارد و چون آشكارا بود اگر آن را تغییر نکنند زیان آن به همه کس برسد(غزالی، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷).

از اينرو در آموزهای اسلامی و احاديث دينی بر بزه پوشی و آشكار نکردن گناه سفارش شده، چرا که آشكار کردن آن موجب از بين رفتن قبح ذاتی آن اعمال شده و موجب تجری مجرمين بر ارتکاب آن اعمال می شود و غزالی نیز بزه پوشی را جایز میداند و ظاهر کردن بزه را موجب تجری مجرمين میداند و میگويد چون اظهار کنند فاسقان بویژه اقتدا کنند و در معصیت کردن دلیر شوند(همان، ۵۹۱). زیرا کاهش زشتی جرم و حشتناکترین پدیده ای است که می تواند امنیت و نظام جامعه را متلاشی کند، به گونه ای که يك عمل ضد ارزشی به يك عمل ارزشمند تبدیل شود يا لااقل از ضد ارزش بودن آن عمل در بين مردم کاسته شود و مردم با آن به تسامح برخورد کند و موجب کوچک و سبك شمردن اعمال زشت شود زیرا انجام دادن گناه يك عمل و آشكار کردن آن عمل دیگري محسوب می شود. طبق رواياتي امام على (ع) فرموده: «أيَاكَ وَ الْمَجَاهِرَ بِالْفَجُورِ فَأَنَّمَا مِنْ أَشَدَّ الْمَآثِمِ؛ از آشكار کردن فسق و فجور بپرهیزید که آن از بدترین گناهان است» (حرعاملی، ۱۴۰۱، ۱۸، ۴۰۷).

و در حدیثی از امام صادق(ع) می فرماید: زیرا گناه آشکار مایه خواری دین می شود و سبب می شود تا دشمنان خداوند هم به گناه و فساد روی آورند.(همان).

پس کسی که مرتکب گناهی شود حق ندارد آن را نزد دیگران بازگو کند. چه باز گفتن گناه نزد دیگران- به ویژه اگر به مدد رسانه ها و در سطح گسترده صورت گیرد- مصدق اشاعه فحشا محسوب می شود و خود جرم مستقلی به شمار می رود زیرا طرح گناه به تدریج موجب از بین رفتن قبح آن می شود. به همین دلیل در مورد جرائم جنسی که جنبه ای حق الهی دارد، نه تنها اشاعه آنها منع شده حتی در ارتکاب جرم منتهی می شود. به همین دلیل در صورت علني شدن جرائم جنسی، دلیلی بر بزه پوشی و عدم اجرای مجازات نمی باشد، باید حد به گونه مقتضی اجرا گردد. هنگامی برای زنا مجازات تعیین و اجرا می شود که علني و مشهود باشد چرا که با علني شدن است که قبح آن کاهش یافته و هدف شارع از کاهش این جرم در جامعه تحقق نمی یابد(توجهی و توکلی پور، ۱۳۹۰، ۱۱۳).

پیامبر اکرم (ص) به قدری به پوشیده ماندن جرائم تاکید کرده که آشکار کردن جرم را گناه نابخودنی می داند و در حدیثی می فرماید: «کل امتی معافي الا المجاهدين الذين يعملون العمل بالليل فيستره رب ثم يصبح فيقول يافلان اني عملت البارحة كذا وكذا، همه امت من بخشیده می شود مگر پرده دران یعنی کسانی که در شب کار خلاف انجام دهنند و پروردگارشان آن را پرده پوشی کند اما صبح که می شود می گوید فلانی من دیشب چنین و چنان کردم». (متقی الہندی، ۱۴۱۳، ۳۲۶).

## ۶. اهداف بزه پوشی

### ۱- از بین رفتن پرده حیا و قبح ذاتی عمل

از دیدگاه اسلام، هر گونه رفتاری و گفتاری که زمینه ارتکاب جرم را تسهیل کند یا موجب از بین رفتن قبح و زشتی آن گردد، معصیت است و مرتکب آن گناه کار محسوب می گردد( قیاسی و دیگران، ۱۳۹۱، ۱، ۳۳۲). زمانی که گناه آشکارا انجام شود ابهت گناه شکسته می شود و پرده حیا کنار می رود و افراد در انجام گناهان کبیره جسور می شوند به همین دلیل در روایات اسلامی آمده است که گناهان آشکار از گناه پنهان بسیار سنگین تر است همانگونه که در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا(ع) می خوانیم «المُذِيغُ بِالسَّيِّئِهِ مَحْذُولٌ والْمُسْتَتُرُ بِالسَّيِّئِهِ مَغْفُورٌ لَهُ؛ کسی که گناه خود را آشکار و منتشر می کند گرفتار خذلان می شود و کسی که گناه را بپوشاند غفو خدا شامل او می گردد»(کلینی، ۱۳۸۷، ۲، ۴۲۸).

حتی برای مبارزه با افراد جسور و حرمت شکن و متجاهر به فسق، اجازه غیبت داده شده است. نیز به همین دلیل است که هرگاه گناه آشکار شود و مردم از آن با خبر گرددند، دستور داده شده است که حد یا تعزیر آشکارا انجام شود تا ابهت گناه به جای خود برگردد و پرده حیا در سطح عموم پاره نشود(مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ۱۸، ۷۰۲).

افشا گری درباره گناهان اشخاص نیز آنها را جسور کرده و از حیای آنها می کاهد و گاه به جایی می رسد که با زبان حال یا قال می گویند: ما که رسوای جهانیم غم دنبا سهل است و آب که از سر گذشت چه یک قامت چه چند قامت. در حالی که اگر در این گونه موارد تغافل شود، کمک به حفظ حیای آن گناهکار خواهد شد. نیز به همین دلیل در روایات اسلامی تکرار گناه صغیره به منزله گناه کبیره شمرده شده است، زیرا تکرار، سبب کم شدن زشتی گناه و پاره شدن پرده حیا می شود( همان).

### ۲- پرده پوشی در این دنیا موجب پرده پوشی در آخرت می گردد

در احادیث وارد شده است که هرگاه خدای تعالی سر بnde را در دنیا بپوشاند کرم او از آن بالاتر است که در آخرت ظاهر گرداند و اگر در دنیا پرده از آن براندازد از آن کریمتر است که دوباره در آخرت آنرا ظاهر نماید. و نیز وارد شده است که در روز قیامت بnde را بیاورند که

گریان باشد، خطاب رسد که چرا میگرئی؟ عرض کند، گریه می کنم بر آنچه در این روز عیوب من در نزد آدمیان و فرشتگان ظاهر خواهد شد، خداوند عالم می فرماید که ای بنده من تو را در دنیا رسوا نکردم و حال آنکه تو مشغول معصیت من بودی و میخندیدی؛ چگونه تو را رسوا می کنم و حال آنکه معصیت نمی کنی و گریانی(نراقی، ۱۳۷۵، ۴۱۵). غزالی معتقد است چون در این جهان پوشیده بماند، بشارتی بود که امید آن باشد که اندر آن جهان نیز پوشیده بماند(غزالی، ۱۳۶۶، ۵۹۱).

### ۳-۶. حفظ آبروی اشخاص و جلوگیری از هنک حیثیت آنان

حفظ آبروی مسلمانان و مومنان، واقعیتی بسیار مهم و به شدت مورد توجه آیین اسلام است. تا جایی که در معارف دینی آبروی مومن با خون اش برابر دانسته شده است<sup>۱</sup>، بردن آبروی انسان به منزله ریختن خون او می باشد با به باد رفتن آبروی مومن و مردم، بنای اعتماد و اطمینان ویران می شود و نظام زندگی خانواده و جامعه در هم فرو می ریزد و امور مسلمانان مختل می شود(انصاری، ۱۳۸۲، ۱۳۸۱). زیرا حفظ آبرو و اسرار مسلمانان از مسائل مهم اجتماعی و از عوامل اثرگذار بر وحدت جامعه اسلامی است و در آیات قرآنی و احادیث پیامبر اکرم (ص) امامان معمصوم(ع) بر آن فراوان تاکید شده است(جوابی آملی، ۱۳۹۱، ۴۸۸). کاملان و بی عیب ها فقط انبیا و امامان و اولیائی خاص حضرت حقند. جز اینان هر کس دارای عیب و عیوبی است که از دید و نظر مردم پنهان می کنند البته در میان مردم عده ای بی شرم وحیا وجود دارند که از پخش شدن عیب خود نتیج ندارند و آزاری از این ناحیه حس نمی کنند ولی اکثر مردم برای آبروی خود حرمت و ارزش قائل هستند و رضایت به بازگو شدن این عیب یا عیوبشان ندارند(انصاری، ۱۳۸۲، ۱۳۸۱). محمد بن فضیل از امام موسی کاظم (ع) نقل کرده: که به حضور امام (ع) عرض کرد، خبری از مردی از برادرانم(از شیعیان) به من رسیده که خوشایندم نیست، از خود او می پرسم منکر می شود با این که ناقلين خبر اشخاص مورد اعتمادی هستند. حضرت فرمود: ای محمد گوش و چشم را در مورد برادرت تکذیب کن، اگر چه پنجاه نفر پیش تو گواهی داده باشند. اگر او گفت من نکفته ام او را تصدیق و آن پنجاه نفر را تکذیب کن و چیزی را علیه اوشایع نکن تا آبروی او را لکه دار ساخته و شخصیت او را خراب کنی و جزء اشخاصی باشی که خداوند عزوجل در مورد آنها فرموده: «ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشه في الدين آمنوا...».(سوره نور آیه ۱۹) (نبی پور، ۱۳۹۱، ۲، ۵۵۲).

صاحب جواهر معتقد است حکمت ثبوت زنا با چهار گواه این است که شارع می خواهد تا آنجا که ممکن است، اینگونه کارها مستور و پوشیده باشد و افراد به آسانی هنک نشوند(نجفی، ۱۳۶۵، ۴۱، ۱۵۵). برای حفظ آبرو و شرف دیگران، اسلام برای اثبات زنا، چهار شاهد مقرر کرده است، و حتی اگر سه شاهد گواهی دهنند، هر سه شلاق می خورند، ولی برای اثبات قتل، دو شاهد کافی است(قرائی، ۱۳۸۷، ۷، ۲۵۶).

### ۴-۶. حفظ بازدارندگی عمومی

زیرا هرگاه کیفری به دفعات و درباره افراد زیادی اجرا شود وصف بازدارندگی عمومی خود را از دست می دهد، مثلی کهنه می گوید: «عزای عمومی، جشن همگانی است» اگر نظام حاکم بر ادله اثبات جرائم جنسی مستوجب حد به گونه ای طراحی شود که این جرائم به آسانی اثبات و مجازات ها اجرا شوند دیگر این کیفرها نه آنقدر خوار کننده اند و نه چندان بازدارنده(نوربه، ۱۳۸۹، ۱۳۸۹). اجرای حد تازیانه به طور علنی بر زنی مستور که مرتكب زنا شده، نه تنها باعث بازدارندگی و اصلاح وی نمی شود بلکه باعث شناخته شدن او می گردد و وی را در معرض تعزیز افراد شرور قرار می دهد(همان، ۲۹۹). سزار بکاریا معتقد است: هدف مجازات به هیچ وجه آزار رساندن و رنجاندن بزهکار نیست، بلکه نخست بازداشت او از زیان رساندن دوباره به دیگران است و در خلال آن بازگردانیدن دیگران از راهی است که تازه در آن گام نهاده اند. بنابراین کیفر باید به شیوه ای به کار بسته شود که با رعایت تناسب، مؤثرترین و پایدارترین اثر را در ذهن اشخاص و کمترین اثر درد را بر جسم بزهکار بر جای گذارد(بکاریا، ۱۳۸۵، ۳۶).

### نتیجه گیری

سیاست جنایی اسلام در برخورد با جرایم جنسی که باعرض و آبرو و شرافت انسان ارتباط دارد مقداری متفاوت با سایر جرایم می باشد. به همین علت شارع مقدس اسلام حساسیت بیشتری نسبت به آشکار شدن و علنی نمودن آن نشان داده که بیانگر توجه اسلام به ارزش های اخلاقی و مصالحی اجتماعی می باشد، اتخاذ روش بزه پوشی در جرایم جنسی سیاستی است که مشروعیت آن مورد تایید آیات و روایات اسلامی می باشد. . بر این اساس تلاش می شود جرایم و گناهان مردم به ویژه گناهان جنسی آنها مخفی بماند و در طریق اثبات آن بر خلاف سایر جرایم سخت گیری های متعددی مانند تعداد شهود، کیفیت ادای شهادت و دفعات اقرار، اعمال شده است. این بدان معناست که شارع مقدس اسلام تمایلی به اثبات این جرایم ندارد و بر پوشیده ماندن آنها اصرار دارد و تحقیق و تفحص در جرایم جنسی را که یک امر پنهانی و مستور می باشد منع می دارد. البته لازم به ذکر است که پوشیده و مخفی داشتن جرم که مبتنی بر گرایش کیفر زدایی است تنها در جرایم حق الهی قابل اعمال است و در جرایمی که مستلزم تضییع حقوق بزه دیده باشد جایز نمی باشد حتی در صورت وجود داشتن شاکی خصوص قضات برای احراق حق بزه دیده مجاز به تحقیق در جرایم جنسی می باشند و توجه به تفکیک حق الله و حق الناس در جرایم جنسی برای جلوگیری از ایجاد ضرر به حقوق بزه دیده می باشد و مطلوبیت بزه پوشی تنها در جرایم حق الهی است و در جرایم علنی و آشکار، تاکید نشده و در صورت آشکار شدن، بر مخفی و پوشیده نگه داشتن آن فایده ای مترتب نمی شود، برخورد مناسب دستگاه کیفری را می طلبد.

در نتیجه سیاست نهان سازی و مخفی داشتن جرم در جرایمی است که خود مجرم سعی در مخفی نگه داشتن جرم داشته باشد. بنابراین در جرایم علنی و جرایمی که مستلزم تضییع حقوق بزه دیده باشد قابل اجرا نمی باشد.

قرآن

نهج البلاغه

۱. آشوری، محمد(۱۳۸۵) آیین دادرسی کیفری، جلد ۱۰، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم.
  ۲. آشتیانی، احمد؛ اندرزها؛ ج ۲؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۷.
  ۳. آمدی، العبدالواحد؛ غررالحكم و دررالکلم؛ ج ۱، ج ۱؛ بیروت، اعلمی، ۱۴۰۷ق.
  ۴. آسل، مارک؛ دفاع اجتماعی؛ ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، ج ۳؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
  ۵. اردبیلی، احمد؛ مجمع الفائدہ والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان؛ ج ۱۳، ج ۳؛ قم، موسسه النشرالاسلامی، ۱۴۲۱ق.
  ۶. انصاری، حسین؛ شرح دعای کمیل؛ ج ۲؛ انتشارات نیایش، ۱۳۸۲.
  ۷. بکاریا، سزار؛ رساله جرایم و مجازات ها؛ ترجمه محمد علی اردبیلی؛ ج ۵؛ نشرمیزان، ۱۳۸۵.
  ۸. البحرانی، یوسف؛ الحدائق الناظرہ فی احکام العترت الطاھرہ؛ ج ۲؛ قم؛ جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ق.
  ۹. توجهی، عبدالعلی؛ و توکل پور، محمدهدادی؛ وجوده تمایز زنا و تجاوز به عنف با تاکید بر شیوه اثبات؛ پژوهش نامه حقوق اسلامی، سال دوازدهم؛ شماره ۲، ۱۳۹۰.
  ۱۰. الترمذی، محمدبن عیسی؛ سنن؛ ج ۲؛ بیروت؛ داراحیاء تراث العربی، ۱۴۱۵ق.
  ۱۱. التمیمی، النعمان بن محمد؛ دعائیم الاسلام؛ ج ۲، ج ۳؛ مصر؛ دارالمعارف، بی تا.
  ۱۲. التوحیدی، محمد علی؛ مصباح الفقاھہ فی المعاملات؛ ج ۱، ج ۳؛ قم؛ موسسه انصاریان، ۱۴۱۷ق.
  ۱۳. تبریزی، جواد بن علی؛ أسس الحدود و التعزیرات؛ ج ۱؛ در یک جلد، قم؛ دفتر مؤلف، ۱۴۱۷ق.
  ۱۴. پیناقل، زان؛ کیفرهای جانشین؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ فصلنامه حق، دفتر ۵، ۱۳۶۵. به نقل از صادقی، محمدهدادی؛ بزه پوشی؛ مجله حقوقی دادگستری.
  ۱۵. الجبیعی العاملی، شهید ثانی، زید الدین بن علی؛ الروضه البھیه؛ ج ۳، ج ۱؛ انتشارات واریان، ۱۳۸۰.
  ۱۶. \_\_\_\_\_؛ مسالک الأفہام إلی تنقیح شرائع الإسلام؛ ج ۱؛ قم؛ مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
  ۱۷. جوادی آملی، عبدالله؛ مفاتیح الحیات؛ ج ۳۲؛ مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۱.
  ۱۸. الجوزی، ابن قیم؛ الطرق الحکمیه فی السیاسه الشرعیه؛ ج ۲؛ جده؛ دارالمدنی، ۱۹۸۵م.
  ۱۹. الحر العاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۸، ج ۶؛ تهران؛ مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۱ق.
  ۲۰. حلّی، یحیی بن سعید؛ الجامع للشرائع؛ در یک جلد، ج ۱؛ قم؛ مؤسسه سید الشهدا العلمیه ۱۴۰۵ق.
  ۲۱. حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف؛ إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد؛ ج ۱؛ قم؛ مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ق.
  ۲۲. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی؛ تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة؛ ج ۶، ج ۱؛ قم؛ مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ق.
  ۲۳. حسینی روحانی، سیدصادق؛ فقه الصادق علیه السلام (الروحانی)؛ ج ۲۶، ج ۱؛ قم؛ دارالكتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۲ق.
  ۲۴. حسینی، سید محمد؛ سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۱؛ سمت، ۱۳۸۳.
  ۲۵. خالقی، علی؛ آیین دادرسی کیفری؛ ج ۲؛ نشر شهر دانش، ۱۳۸۸.
  ۲۶. خاوری، یعقوب؛ واژه نامه تفصیلی فقه جزا؛ ج ۲؛ انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۹.

۲۷. خمینی، سید روح الله موسوی؛ تحریر الوسیله؛ ترجمه اسلامی، علی، ج ۴، چ ۲۱؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۲۵ ق.
۲۸. خوبی موسوی، سید ابو القاسم؛ مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، چ ۱؛ قم؛ مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ، ۱۴۲۲ ق.
۲۹. دلماس مارتی، می ری؛ نظام های بزرگ سیاست جنایی؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ ج ۱، چ ۱؛ نشر میزان، ۱۳۸۱.
۳۰. رهامی، محسن؛ جرایم بدون بزه دیده؛ ج ۱؛ نشر میزان، ۱۳۸۷.
۳۱. الرحیلی، وهبہ؛ الفقه الاسلامی و ادلته؛ ج ۶، چ ۳؛ دمشق؛ دار الفکر، ۱۴۱۱.
۳۲. زراعت، عباس؛ و مهاجری، علی؛ شرح قانون آیین دادرسی کیفری؛ ج ۱، چ ۱؛ نشر فیض، ۱۳۷۸.
۳۳. ساریخانی، عادل؛ حقوق جزای عمومی اسلام؛ ج ۶؛ تهران؛ دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۹.
۳۴. شیری، عباس؛ سقوط مجازات ها در حقوق کیفری اسلام واپریان؛ ج ۱؛ دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱.
۳۵. صادقی، محمد هادی؛ بزه پوشی، مجله حقوقی دادگستری؛ شماره ۲۸ و ۲۹، ۱۳۷۸.
۳۶. طباطبایی، سید محمد حسین؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی؛ ج ۲۹، چ ۳؛ انتشارات محمدی، ۱۳۶۳.
۳۷. الطباطبایی الحکیم، سید محسن، مستمسک العروة الوثقی؛ ج ۱۴، بیروت؛ دار احیاء التراث العربي، بی تا.
۳۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن؛ الخلاف؛ ج ۶، چ ۱؛ قم؛ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۹. \_\_\_\_\_المبسوط فی فقه الإمامیة؛ ج ۵، چ ۳؛ تهران؛ المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، ۱۴۲۸ ق.
۴۰. العبدالسلام، محمد الشریف؛ المبادی الشرعیه فی احکام العقوبات فی فقه الاسلامی؛ ج ۳؛ بیروت؛ دار التراث الاسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۴۱. غزالی، محمد؛ احیاء علوم الدین ربع عادات؛ ترجمه مؤید الدین خوارزمی؛ ج ۲؛ تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
۴۲. \_\_\_\_\_؛ کیمیای سعادت، ج ۲، چ ۳؛ انتشارات گنجینه، ۱۳۷۲.
۴۳. فاضل هندی، محمد بن حسن اصفهانی؛ کشف اللثام؛ ج ۱۰، چ ۱؛ قم؛ موسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۴ ق.
۴۴. فیض، علی رضا؛ مقارنه و تطبیق حقوق جزای عمومی اسلامی؛ ج ۴؛ سازمان انتشارات و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.
۴۵. فرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ ج ۷، چ ۱۶؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۷.
۴۶. قیاسی، جلال الدین؛ و دیگران، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی؛ ج ۱، چ ۳؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۴۷. کوشان، جعفر؛ سیاست جنایی ایران در لایحه قانون مجازات اسلامی؛ تازه های علوم جنایی، مجموعه مقالات، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، ۱۳۸۸.
۴۸. الکلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ ج ۲، چ ۶؛ تهران؛ دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.
۴۹. موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا؛ المنضود فی أحکام الحدود؛ ج ۳، چ ۱؛ قم؛ دار القرآن الکریم، ۱۴۱۲ ق.
۵۰. محقق داماد، مصطفی؛ قواعد فقه؛ بخش جزایی، ج ۱۷؛ تهران؛ مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۹.
۵۱. مکارم شیراز، ناصر؛ شرحی تازه و جامعی بر نهج البلاغه؛ ج ۱۳، چ ۳؛ انتشارات امام علی بن ابی طالب، ۱۳۹۲.
۵۲. \_\_\_\_\_؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۷، چ ۳؛ تهران؛ دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۵۳. \_\_\_\_\_أنوار الفقاهة - کتاب الحدود و التعزیرات (مکارم)؛ ج ۱؛ قم؛ انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۱۸ ق.
۵۴. المجلسی، محمد باقر؛ بحارالانوار؛ ج ۳۸ و ۷۵، چ ۲؛ بیروت؛ موسسه الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۵۵. \_\_\_\_\_؛ حدود و قصاص و دیات؛ در یک جلد، تهران؛ ج ۱؛ مؤسسه نشر آثار اسلامی، ۱۴۱۰ ق. مجلسی، محمد تقی؛ یک دوره فقه کامل فارسی؛ در یک جلد، تهران؛ ج ۱؛ مؤسسه و انتشارات فراهانی، ۱۴۰۰ ق.
۵۶. المتقدی الهندي، علی بن حسام؛ کنزالعمال فی سنن الاقوال و افعال؛ ج ۴؛ موسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.

۵۷. مغنية، محمد جواد؛ فقه الإمام الصادق عليه السلام؛ ج ۶، ج ۲؛ قم؛ مؤسسه انصاریان، ۱۴۲۱ ق.
۵۸. منظری، حسین علی؛ کتاب الحدود؛ ج ۱؛ قم؛ انتشارات دار الفکر، بی تا.
۵۹. میر محمدصادقی، حسین؛ جرایم علیه اشخاص؛ ج ۴؛ نشر میزان، ۱۳۸۸.
۶۰. النجفی، محمدبن حسن؛ جواهر الكلام؛ ج ۴، ج ۶؛ تهران؛ دارالكتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۶۱. نوربها، رحیم؛ اهداف مجازات ها در جرائم جنسی؛ ج ۱؛ پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
۶۲. النوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۸، ج ۱؛ قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۸.
۶۳. نراقی، احمد؛ معراج السعاده؛ ج ۲؛ نشر هما، ۱۳۷۵.
۶۴. نیلی پور، مهدی؛ بهشت اخلاق؛ ج ۲، ج ۴؛ قم؛ انتشارات موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر(عج).